

۲۶ سال پس از نخستین گردهمایی علمی درخصوص مسائل خلیج فارس در تهران، به ابتکار دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه سمیناری تحت عنوان "سمینار بررسی مسائل خلیج فارس" در روزهای ۲۸ و ۲۹ اردیبهشت در تالار اجتماعات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی با حضور بیش از ۸۰۰ تن از اساتید، محققین، حقوقدانان، دیپلماتها، فرماندهان نیروی دریایی ارتش و نیروی دریایی سپاه و همکارانشان و علاقمندان به مسائل خلیج فارس برگزار شد. هدفهای برگزاری سمینار از سوی آقای مهندس نهاوندیان دبیر سمینار و مشاور وزیر امور خارجه این‌گونه اعلام شد:

۱- بهره‌گیری از مسائل مطرح شده در سمینار در برنامه‌ریزی‌های عمران و آبادی جنوب کشور.

۲- ایجاد آمادگی لازم در صاحب‌نظران برای شرکت در کنگره بزرگ بین‌المللی مسائل خلیج فارس که به زودی در کشورمان با حضور جمعی از دانشمندان ایرانی و خارجی برگزار خواهد شد.

سمینار با پیام آقای خامنه‌ای و اعلام این نکته که "دست دوستی همسایگان را می‌فشاریم و همواره خواهان دوستی و اخوت اسلامی هستیم." و "بعضی از برادران در آن سوی خلیج فارس از جمهوری اسلامی نهراسند." آغاز شد و سپس آقای ولایتی گفتاری با عنوان "مقدمه‌ای بر تاریخ تحولات خلیج فارس" داشت. در این گفتار وضعیت سیاسی و تحولات تاریخی و اجتماعی در خلیج فارس از دوران فیزیکی‌ها تا کنون بررسی شد.

سخنرانی آقای ولایتی با اعلام مجدد دکترین جمهوری اسلامی در مورد خلیج فارس که می‌گوید: "ایران وابسته به آمریکا، تبدیل به قدرت مستقلی شده که می‌گوید خلیج فارس متعلق به کشورهای اطراف خلیج فارس است و دست بیگانگان باید از آن کوتاه شود." پایان یافت.

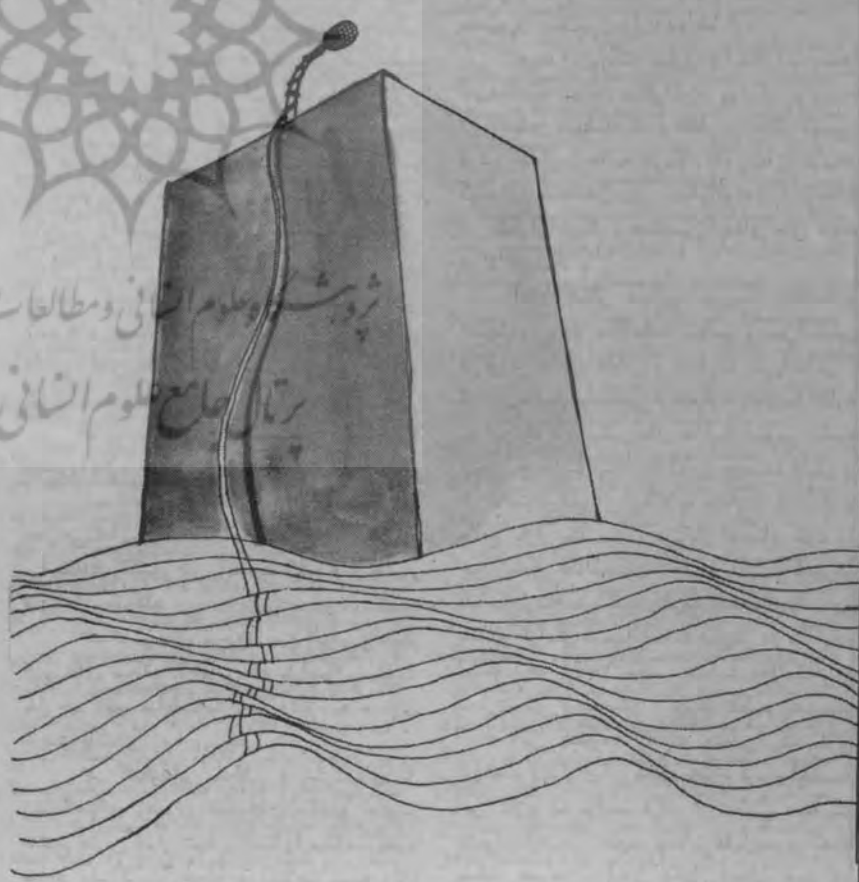
سپس آقای آقازاده وزیر نفت سخنرانی همراه با ارقام و آمار خود را در مورد انرژی و نفت خلیج فارس ایراد کرد.

آقای آقازاده با تکیه بر این اصل که در دنیا هیچ چیزی نمی‌تواند بدون انرژی یا بگیرد، گفت: در سال ۱۹۸۶ قیمت نفت بشکه‌ای ۲۸ دلار بود و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۹۹۵ تا بشکه‌ای ۵۰ دلار صعود خواهد کرد. عربستان و کویت با تز "کسب عادلانه قیمت بازار" تضمینی برای سال ۱۹۹۵ به وجود آوردند تا از صعود قیمت‌ها جلوگیری کنند.

باتوجه به برآورد علمی، ذخائر نفتی

موازنه سیاسی جهان در گرو خلیج فارس

افسانه ناهید



اثبات شده مجموعاً ۷۰۰ میلیارد بشکه نفت در جهان موجود است و مصرف روزانه جهان ۶۰ میلیون بشکه است که این مقدار با رشد روزافزون روبرو است، و این ذخائر ظرف ۳۰ الی ۴۰ سال آینده تمام خواهد شد.

۲۱٪ نفت جهان در نیمکره غربی و ۷۹٪ آن در نیمکره شرقی قرار دارد. کشورهای اوپک ۷۰٪ نفت جهان را در اختیار دارند و خلیج فارس بیش از ۶۰٪ نفت جهان را در بطن دارد. در حالی که سهم کشورهای غیر اوپک واقع در جهان غیرکمونیت کمتر از یک چهارم مجموع ذخائر قابل برداشت جهان است.

۵۰۰ میلیارد بشکه نفت در اوپک جای دارد و نسبت به تولید فعلی نزدیک به ۷۰ سال می‌تواند تولید داشته باشد و تنها خلیج فارس ۴۰۰ میلیارد بشکه نفت دارد که با تولید فعلی تا بیش از ۷۵ سال دیگر می‌توان از آن بهره‌برداری کرد. ذخیره نفتی آمریکا ۲۲ میلیارد بشکه است که حدود هشت سال و نیم دیگر تمام می‌شود. ذخیره نفتی شوروی ۵۹ میلیارد بشکه است که با توجه به تعهدات شوروی در مقابل بلوک شرق که باید انرژی آنها را تامین کند، با تولید فعلی فقط ۱۳ سال دیگر نفت دارد. چین ۱۸ میلیارد بشکه ذخیره دارد و با تولید فعلی تا ۱۸ سال دیگر نفت خواهد داشت. دریای شمال فقط برای ۱۲ سال نفت دارد. از ۱۳ کشور عضو اوپک - ۶۰٪ نفت اوپک در خلیج فارس است - ونزوئلا و اندونزی تا سال ۲۰۰۰ صادرکننده نفت خواهند بود و کشورهایی مانند الجزایر، اکوادور و لیبی فقط برای چندسال آینده نفت دارند.

علاوه بر نفت، خلیج فارس محور تامین گاز جهان است. عمر گاز شوروی در ۶۴ سال آینده تمام می‌شود. ایران، قطر و عربستان بالای ۱۰۰ سال دیگر گاز دارند و تنها ایران با تولید فعلی، بیش از ۱۰۰۰ سال دیگر گاز خواهد داشت. ضمن این که گاز ایران از نوع گاز شیرین است که احتیاجی به تصفیه ندارد و به جز اولین جاه گاز در خلیج فارس به نام "گنبد علی" که در آن سه لایه گاز شیرین یافت شده است هنوز اکتشافات جدید و پروژه‌های تازه آغاز نشده است، آقای آقازاده سپس مشخصاً به آمریکا پرداخت و گفت: آمریکا می‌تواند یک بشکه نفت ۱۸ دلاری را با استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته پتروشیمی به ۵ برابر قیمتش تبدیل و به امثال ما بازگرداند، بدیهی است که این تکنولوژی‌های پیشرفته پتروشیمی را دنیا به ما نمی‌دهد چون نمی‌خواهد که ما بهره‌مند شویم. اصلاً نفت به عنوان موضوع امنیتی آمریکا مطرح

است. فراموش نکنیم گفته "هنری کیسینجر را " اگر ایران بر عراق پیروز شود دو خسارت عمده بر ما (آمریکا) و دنیا وارد می‌شود.

۱- قدرتی که ایران در منطقه پیدا خواهد کرد. ۲- با تکیه بر تولید خود - ایران - قدرت اوپک را در دست خواهد گرفت.

بی‌جهت نیست که تمام موازنه‌های سیاسی - اقتصادی در محدوده خلیج فارس دور می‌زند. شوک اول نفتی در سال ۱۹۷۳ آسیب‌پذیری آمریکا را نسبت به قطع واردات نفتی آشکار می‌کند. آمریکا بزرگترین مصرف‌کننده نفت جهان است. واردات آمریکا در سال ۱۹۷۸، ۸/۶ میلیون بشکه در روز بوده است. آمریکا توانسته است تولید داخلی خود را از ۸/۸ میلیون بشکه به ۱۵/۲ میلیون بشکه برساند و مصرفش به بیش از ۱۴ میلیون بشکه افزایش یافته است.

علیرغم تفاوت میزان نفوذ شوروی و آمریکا در خلیج فارس آشکار است که خلیج فارس برای هر دو بلوک دارای منافع حیاتی است، چرا که در درازمدت تنها ۴ کشور - عربستان، کویت، ایران و عراق - می‌توانند نفت آنها را تامین کنند.

یکی دیگر از سخنرانان آقای عباس ملکی مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه بود که در باب " امنیت ملی و امنیت دسته‌جمعی در خلیج فارس " سخن گفت و در این سخنرانی اعلام داشت که " طرح فوق ناظر بر این هدف است که چگونه می‌توان در جهت تنش‌زدایی در خلیج فارس و حفظ امنیت آبراه اقدام کرد. یکی از راه‌های حصول این مطلب استقرار سیستم امنیت دسته‌جمعی است و پیش‌بینی می‌شود که اجرای این سیستم با همراهی کشورهای منطقه منجر به خروج ایر قدرت‌ها و پایان دادن عادلانه به جنگ تحمیلی خواهد شد. " آقای ملکی طرح پیشنهادی خود را چنین اعلام داشت:

۱- جمهوری اسلامی ایران سیاست خارجی فعال و هماهنگ با بخش‌های اقتصادی و اجتماعی کشور در رابطه با کشورهای خلیج فارس اتخاذ کند.

۲- تنش‌های موجود بین ایران و دیگر کشورهای منطقه تا جایی که با اصول سیاست خارجی کشور منافات نداشته باشد، به حداقل کاهش یافته و از میان برود.

۳- گفتگوهای منطقی و سازنده‌ای با دستگاه‌های رهبری کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس آغاز شود و آنها را متقاعد کنیم منافع مشترکی با جمهوری اسلامی - به ویژه در راستای ثبات سیاسی و جلوگیری از دخالت

دیگران - دارند.

۴- مذاکرات جهت انعقاد قرارداد مودت که تمامی کشورهای ایران، امارات متحده عربی، قطر، عمان، بحرین، کویت و عربستان را دربر گیرد آغاز شود و مسائلی مانند عدم تعرض هر کشور به دیگری را نیز شامل باشد.

۵- مرزهای موجود گرچه بعضاً مورد اختلاف بین کشورهای همجوار خلیج فارس است به عنوان مرزهای قطعی و اصلی منظور شود و هرگونه حل و فصل اختلافات مرزی توسط کمیته مشترکی که در قرارداد پیش‌بینی شده باشد صورت گیرد.

۶- به منظور نفی عملی حضور نیروهای خارجی، امنیت عمومی و حرارت از خطوط کشتیرانی خلیج فارس از سوی ۷ کشور ساحلی تضمین شود.

۷- تدابیری اتخاذ شود که در صورت نیاز به مقابله با نیروهای خارجی، نیروی مشترکی متشکل از بخشی از ارتشهای کشورهای ساحلی امنیت آبراه را برقرار کند. آقای ملکی با اشاره به نقش افکار عمومی مردم منطقه به ویژه کشورهای عربی گفت: حتی در صورت عدم تمایل رژیم‌های حاکم، فشار افکار عمومی آنها را مجبور به پاسخ مثبت به ابتکار جمهوری اسلامی ایران خواهد کرد.

موید این نکته مبارزه و ابتکارات وسیع دیپلماتیک توسط نیکاراگوئه بود که توانست از راه‌های دیپلماتیک و فشار بر افکار عمومی مردم جهان، خاصه آمریکا، قادر به رد لایحه کمک به ضدانقلابیون نیکاراگوئه (کنتراها) در کنگره آمریکا و همچنین احقاق حق خود در لایحه شود.

آقای دکتر شهبانی سرپرست مطالعات اقتصادی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی در مورد " خلیج فارس و تجارت بین‌المللی " گزارش دقیق و مفصلی ارائه کرد. وی با اشاره به این که شیخ‌نشین‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس به علت مساحت کم و جمعیت قلیل و در دسترس نبودن امکانات متفاوت تولیدی و حجم بازار مناسب از دیرباز اقتصاد خود را حول محور فعالیت‌های تجاری با دیگر کشورها تنظیم کرده‌اند، گفت: شروع استخراج و صدور نفت و افزایش قیمت نفت به خصوص در سالهای اولیه دهه ۱۹۷۰ موجب تشدید فعالیت‌های تجاری در منطقه شد. ثروت عظیم به دست آمده این کشورها را به عنوان یک بازار ثروتمند و دارای ارزش محکم مطرح کرد و اهمیت این بازار به مراتب فراتر از تناسب جمعیت تثبیت گردید. حجم ذخایر قابل‌صدور نفت منطقه همراه با ارزش ذاتی ذخایر فوق که حتی در قیمت‌های پایین ۱۰ دلار در سال

۱۹۸۶، ثروت عظیمی را در منطقه پدید آورده است. ارزش کل صادرات کشورهای بحرین، کویت، عمان، قطر و امارات عربی در سال ۱۹۸۷ برابر با حدود ۱۵/۵ میلیارد دلار و ارزش کل واردات آنها برابر با حدود ۱۲/۶ میلیارد دلار برآورد شده است. حجم تجارت فوق حدود ۵/۷۲ درصد کل تجارت جهان را در سال ۱۹۸۶ تشکیل می‌دهد. واردات این کشورها حدود ۳/۱ درصد کل واردات کشورهای درحال توسعه می‌باشد و این درحالی است که مجموع جمعیت این کشورها کمتر از حدود ۵/۱ درصد کل جمعیت جهان است و فقط ۵/۲ درصد از کل جمعیت کشورهای درحال توسعه را شامل می‌شود. وی سپس افزود: اقتصاد کشورهای حاشیه خلیج فارس و در نتیجه تجارت آنها در سالهای اخیر (۱۹۸۵ - ۱۹۸۷) تحت تاثیر دو عامل غده صدمه دیده است. ۱- کاهش صدور و قیمت نفت. ۲- جنگ عراق با ایران. آقای دکتر شهبابی برای پایان بخشیدن به عدم ثبات و بهبود وضع اقتصادی و رشد تجارت خارجی در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس گفت: بهبود وضع اقتصادی و تجاری درگرو پایان جنگ عراق با ایران و با حداقل کاهش تشنج و عدم گسترش جنگ در خلیج و افزایش قیمت و درآمد نفت از راه سیاست‌های اتخاذ شده در سازمان اوپک است. از دیگر سخنرانان سمینار آقای دکتر شمس اردکانی مشاور وزیر امور خارجه بود که در مورد "استراتژی‌های صدور نفت از خلیج فارس" سخن گفت. وی با اشاره به این که بزرگترین ذخایر نفت قابل صدور جهان در منطقه خلیج فارس قرار دارد و استراتژی‌های صدور نفت از این منطقه تا آینده‌های دور از عوامل تعیین کننده در بازار جهانی نفت خواهد بود که متقابلاً بر معادلات جهانی انرژی و سرمایه اثر می‌گذارد، افزود:

در اوج تولید و صادرات نفت (۱۹۷۸ - ۱۹۸۱) منطقه خلیج فارس روزانه حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت به دنیا صادر می‌کرد که تقریباً همه آن از تنگه هرمز عبور می‌کرد. به دنبال سقوط صادرات منطقه به نصف به خاطر جنگ تحمیلی، دولت‌ها و رسانه‌های غربی ناامن بودن آبراه خلیج فارس را بر کشورهای منطقه تحمیل کردند و درحالی که تاسیسات موجود زیر ظرفیت کار می‌کرد، آنها را وادار به سرمایه‌گذاری‌های عظیم برای ایجاد خطوط لوله حمل نفت به خارج از حوزه جغرافیایی خلیج فارس کردند. هزینه پروژه‌های اجرا شده و در دست اجرا مجموعاً بیش از ۳۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. تحمیل فرض ابدی بودن ناامنی‌ها از سوی کسانی که مسبب

ناامنی بوده‌اند به کسانی که مجری ناامنی هستند وسیله توجیه این پروژه‌ها است. پس از پایان سمینار میزگردی با حضور آقای دکتر ولایتی، آقای علایی فرمانده نیروی دریایی سپاه، بعضی از سفرا و دست‌اندرکاران سمینار برگزار شد. در این میزگرد آقای ولایتی در پاسخ این سؤال که آیا ایران در برابر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس دارای استراتژی مشخصی است یا نه گفت: قطعاً بدون استراتژی مشخص با کشورهای خلیج فارس نیستیم ولی بسیاری مواقع مواردی پیش می‌آید که غیرقابل پیش‌بینی و محاسبه‌اند. نه برای ما بلکه برای تمام کشورهای دیگر. آیا کسی در غرب و در زمان دولت اسبق شوروی می‌توانست وضعیت فعلی آن‌را پیش‌بینی کند؟ و یا در کشورهایی که لیبرال هستند یا به اصطلاح آزادی مطبوعات در آنها هست هم نکته‌های زیادی وجود دارد. هم راجع به گذشته و هم حال و آینده. حتی کسانی که سابقه طولانی در امر سیاست خارجی دارند از نظر محاسبات استراتژیک دچار مشکلات غیرقابل پیش‌بینی می‌شوند. ما حکومت‌هایی را در منطقه سواغ داریم که چون به خلوت می‌آیند و با کارشناسان سیاسی ما صحبت می‌کنند برخوردشان با مسائل منطقه، با آنچه که انجام می‌دهند، کاملاً مغایر است. روابط ما با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس علیرغم این که در یک شورا جمع شده‌اند برحسب نوع تفکر حاکم بر آنها رابطه‌ای که با قدرتهای بزرگ منطقه دارند، متفاوت است. روابط ما با کشورهای عمان، امارات، قطر و بحرین خوب و با کویت نسبتاً بد و با عربستان هم که روشن است. عواملی هم هست که مناسبات سیاسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و خیلی سهل و آسان جهت‌گیری‌های سیاسی را تغییر می‌دهد و شما هم به عنوان وزارت خارجه یک حکومت مردمی، انقلابی و اسلامی هیچ راه دیگری جز تبعیت از خواسته انقلابی مردم ندارید. مسائلی هم هست که گفتنی نیست. مسائلی که در روابط دیپلماتیک با دیگر کشورها می‌گذرد به تمامی قابل بازگفتن نیست. دیگران هم نمی‌کنند و لذا هر ۲۰ یا ۳۰ سال یکبار اسناد وزارت خارجه‌ها منتشر می‌شود. به هر حال ما با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس مشترکات زیادی داریم. مسلمانیم، فرهنگ، تاریخ و روابط طولانی اقتصادی داریم و مهمتر این که همه ما در استفاده از یک منطقه حیاتی مشترکیم ولی برای همکاری دسته‌جمعی با کشورهای خلیج فارس که ما پیگیرانه آن را دنبال می‌کنیم مجبوریم عراق را منحصراً کنیم درحالی که ۸ کشور در اطراف خلیج فارس

وجود دارد. شما فرمولی پیدا کنید که هم همکاری منطقه‌ای همه کشورهای حاشیه‌های خلیج فارس در آن بگنجد، هم به دلایل معقول عراق را منحصراً کند، آقای ولایتی در مورد روابط کشورمان با انگلیس و فرانسه و امریکا گفت: بخشی از آنچه که می‌گذرد مخفی است و شاید یک قرن دیگر هم مصلحت ملت ایجاب نکند که برملا شود. ببا دانستن بخشی از واقعیت نمی‌توان قضاوت دقیقی داشت. آنچه که بین ما و فرانسه گذشت و منجر به قطع رابطه ما با این کشور شد، بخش عمده‌اش ناگفته مانده است ولی پوشیده می‌توان گفت آنچه که انجام می‌دادیم انجام دادیم.

در سمینار "بررسی مسائل خلیج فارس" دو دیدگاه در زمینه نوع برخورد با کشورهای منطقه مطرح شد.

- ۱- همکاری با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در سطح گسترده‌تر.
- ۲- دستیابی ایران به قدرت نظامی بیشتر و ضربه زدن به نقاط ضعف دشمنان. اما به نظر می‌رسد که آنچه بیشتر از نظر استراتژی ایران به خصوص در منطقه مطرح است، بهبودبخشیدن به روابط با کشورهای منطقه باشد. برای برگزاری این سمینار که از شش ماه پیش تدارک دیده شده بود از ۴۴ نویسنده و مترجم، ۲۸ محقق در ۲۰ ارگان و سازمان و مجلس شورای اسلامی ایران و ۵ استادنداری برای همکاری دعوت به عمل آمده بود. ۲۹ متخصص صحبت کردند. ۱۳ سخنران به دلیل کمی وقت صحبت نکردند. ۶ نفر از سخنرانان شهرستانی و ۳ نفر از محققین ایرانی مقیم خارج از کشور هم حضور داشتند. در نمایشگاه کتاب ۲۰۰ عنوان کتاب مربوط به خلیج فارس ارائه شده بود و در نمایشگاه اطلس‌ها، ۱۲۵ نقشه تاریخی نمایش داده شد و ۴۹ سند تاریخی پیرامون خلیج فارس با همکاری اداره اسناد وزارت امور خارجه ارائه شد. سمینار ضمن نوآوری‌ها، کاستی‌هایی هم داشت. اختصاص فقط دو روز به سمیناری با این درجه از اهمیت بسیار کم بود. مسلماً اگر سمینار در چهار بخش مجزای فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی برگزار می‌شد موفق‌تر می‌بود. از نظر اجتماعی به مسائل ساکنین اطراف خلیج فارس پرداخته نشد. و جای بسیاری از خلیج فارس-شناسان و محققین و استادان دانشکده علوم سیاسی و استادان تاریخ و جغرافیای دانشگاه تهران در میان سخنرانان خالی بود. در سمینار پیرامون مسائل دیگر "خلیج همیشه فارس" نیز صحبت شد که امید است در شماره‌های آینده به آن بپردازیم.